

## برکت روضه خانگی

روضه تمام شده است و عالم بزرگ شهر نشسته و دارد به حرف پسر رفیقش گوش می‌دهد:

«حضرت آقا! پدرم اصرار داشت که مجلس روضه را در منزل شخصی خودش برگزار کند.»  
«خدا رحمتش کنه، دوراندیش بوده.»  
«چطور مگه؟»

«خب ثمره کارش رو دیده.»

«چه ثمره‌ای؟»

«این‌که بچه‌ای تربیت کرده دوستدار روضه و دستگاه امام

حسین(ع).»

«آقا نصیحتی بفرمایید.»

«قدر این مجالس روضه را بدانید. ثابت شده که در هر منزلی ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا(ع) شود، برکاتی پیدا و بلاهایی دور می‌شود. آخرش هم ختم به حسن عاقبت است.»

## ذکر مصیبت در گرمابه!

آقا سیدیحیی اولین نفری است که در گرگ و میش صبح وارد گرمابه حاج میرزا (از گرمابه‌های قدیمی شهر رفسنجان) می‌شود، بعد از او هم افراد دیگری یکی‌یکی سر می‌رسند و دور از چشم ماموران شهرداری وارد رختکن حمام می‌شوند. این آمد و شد مخفیانه با بسته شدن در چوبی گرمابه به پایان می‌رسد تا مجلس روضه امام حسین(ع) که ماموران رضاخان مانع برگزاری اش هستند، نه در مساجد و تکیه‌های شهر، بلکه در رختکن حمام برگزار شود! اگر خدا کمک کند، فکر ماموران شهرداری به روضه خوانی در این محل نخواهد رسید.

## بالای مجلس...

امام صادق(ع) با دیدن فضل می‌پرسد: «دیشب کجا بودی؟»  
«خانه یکی از دوستان، اول ماه محرم بود و مجلس روضه خوانی داشت.»  
«خداوند دلت را روشن کند و شرح صدرت مرحمت فرماید و تو را بر این عمل خوب و پیوند با ما پاداش دهد. حال بگو بدانم هنگامی که از آنجا بیرون آمدی، جلوی در خانه به کسی برخوردی؟»  
کمی فکر می‌کند و می‌گوید: «به گمانم به مردی برخوردم که

جلوی در نشسته بود.»

«او را شناختی؟»

«نه، کوچه تاریک بود.»

«خودم بودم.»

«پس چرا داخل نیامدید تا زینت مجلس باشید؟ به خدا قسم شما صاحب‌عزا هستید و واجب بوده به شما عرض ادب و تسلیت کنیم.»

«خواستم، اما دیدم در بالای مجلس جدم رسول‌خدا(ص) و امیرالمومنین(ع) و فاطمه(س) حضور دارند و با شما بر حسین(ع) می‌گیرند...»

## نمی

همان‌ها دو سه مرتبه با چای پذیرایی می‌کنند، اما خبری نیست. چادر می‌کشند، جز چند خانم که دارند به این آید. خانم مستاجر با دیدن این منظره بقیه بالا بیاید و روضه بخواند. صاحبخانه را که فرد مورد اشاره شخصی کراواتی با روضه در میان بهت و ناپاوری مهمان‌ها دید. کسی نمی‌داند این آقا، روحانی مبارزی (و) که ساواک در به در دنبالش می‌گردد و بست ساکن کوچه و محله آنها شده است.

## ه‌دونفره

بل فکر کرده‌اند روضه عالم محل از فردا شب شروع به همین دلیل نیامده‌اند و حالا تنها صاحبخانه حضور میری دعوت شده! ابتدا منبری که از علمای بزرگ شهر روضه می‌خواند و صاحبخانه می‌گرید و سپس برعکس. هم چای روضه را می‌نوشند و به این فکر می‌کنند که روضه است چه با دو نفر برگزار شود چه با هزار نفر.

## روضه‌های سحرگاهی

رضاخان برپایی مجالس روضه خوانی امام حسین(ع) را قذغن کرده و حالا علمای قم به‌ویژه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به این فکر می‌کنند که چه واکنشی نشان دهند. عده‌ای می‌گویند به روستا می‌رویم و آنجا دور از چشم پاسبان‌ها عزاداری می‌کنیم. عده‌ای هم می‌گویند نباید بهانه‌ای دست حکومت و شخص رضاخان بدهیم تا بیاید و در حوزه علمیه را ببندد. آقا سیدمحمد رضا [گلپایگانی] که مورد قبول همه است رو به استاد می‌کند و می‌گوید: «فردا صبح زود به خانه من تشریف بیاورید تا بعد از اقامه نماز روضه بگیریم. خودم هم منبر می‌روم.» همه حاضران رای خردمندانۀ او را می‌پسندند و برای شرکت در آن اعلام آمادگی می‌کنند. تا ماموران حکومتی پی ببرند، دهه اول محرم تمام شده است.

## هرکس روضه خودش

نشر اطراف طی چند سال اخیر سه عنوان کتاب با محوریت روضه منتشر کرده که روایت‌های شخصی افراد مختلف از مواجهه‌شان با روضه و امر عزاداری بوده است. «کاشوب»، «رستخیز» و «زان تشنگان» عناوین این سه کتاب است که در آن هرکس روضه‌هایی که زندگی کرده را در قالب یک روایت بازگو کرده است. روایت‌هایی که برخی از آن‌گریزها و لحظاتی دارد که هر خواننده‌ای را میخکوب می‌کند. روایت‌هایی از روضه‌های خانگی و حواشی آنها تا عزاداری و فعالیت‌های مرتبط با آن! در این کتاب‌ها

خواننده از زوایای مختلفی با مساله و مقوله روضه روبه‌رو می‌شود و تصویری از باور و بافت روضه در ذهن آنها را از لابه‌لای تار و پود کلمات به تماشا می‌نشیند. روضه‌های خانگی را باید پربسامدترین بخش این سه عنوان دانست که در دسترس است.



ن تعزیه‌های شاد و غمگین برگزار می‌آید. اهل بیت(ع) و روزهای شادی کتاب روایت یک سنت فراموش است که بصیری به ظرافت آن را بازار کتاب کرده است. کتابی که بدان دور مراسم عزاداری چگونه برگزاری آن آمده می‌شدند. این مطالب است خواننده را به کوچه تعزیه‌هایی نشانش می‌دهد که